

رویکرد امنیت گرایانه سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی؛ مبانی و مصادیق

حسین میرمحمدصادقی*

عبدالحسین سلطانی رنانی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

چکیده

سیاست جنایی برای پاسخ‌دهی به پدیده بزهکاری، اصول و روش‌هایی را اتخاذ می‌کند که بر این اساس اهداف و دورنمای کلی آن مشخص می‌گردد. امروزه به دنبال نقض گسترده امنیت اقتصادی دولت‌ها و شهروندان در پی گسترش ارتکاب جرایم اقتصادی خصوصاً جرایم بین‌المللی و سازمان‌یافته اقتصادی و آسیب شدیدی که این جرایم به امنیت اقتصادی و بعضاً به امنیت سیاسی جامعه وارد می‌آورد، رویکرد سیاست جنایی از اصلاح و بازپروری بزهکاران اقتصادی و به تعبیری دیگر بزهکارمداری به سمت نگرش امنیت‌مداری تغییر یافته است. در پی تبدیل تأمین امنیت اقتصادی به یکی از چالش‌های اصلی سیاست جنایی به‌ویژه با تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته مجرمانه، اصول و قواعد مربوط به جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و تعیین ضمانت‌اجراهای قانونی و تحمیل آن بر بزهکاران این عرصه نیز تغییر یافته و مبتنی بر سیاست جنایی امنیت‌گرا، به نوعی با فرض دشمن دانستن بزهکاران، حقوق کیفری دشمن‌مدار در این حوزه را حاکم نموده است. البته از رهگذر حاکمیت سیاست جنایی امنیت‌گرا در حوزه جرایم اقتصادی آسیب‌هایی نیز به نظام اقتصادی کشور وارد می‌شود که منجر به افزایش هزینه مبارزه با این جرایم می‌گردد. بدین‌سان، در نوشتار حاضر ضمن بررسی دیدگاه نظام قانون‌گذاری ایران به جرم اقتصادی از حیث تعریف و مصادیق، زمینه‌های شکل‌گیری رویکرد امنیت‌گرا در واکنش به این جرایم و برخی شاخصه‌های این رویکرد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژگان:

امنیت اقتصادی، رویکرد امنیت‌مدار، اقتصاد دولتی، اخلال در نظام اقتصادی، محاربه و افساد فی‌الارض.

* استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

h_sadeghi@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول)

a_soltanirenani@sbu.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

مسئله امنیت از دیرباز یکی از چالش‌های مهم جامعه بشری بوده است؛ تا بدانجا که انسان‌ها برای تأمین این نیاز ضروری و اولیه خود گردهم آمدند و جوامع ابتدایی را تشکیل دادند. با گذشت زمان و تغییر ساختار حکومت‌ها تا به امروز که دولت‌های مرکزی در پرتو قوانین اساسی کشورهای مختلف تشکیل شده‌اند، وظیفه تأمین امنیت با دولت بوده و دولت‌ها متولی امنیت جامعه و شهروندان خود محسوب می‌شوند. حق بر امنیت یکی از حقوق اساسی بشری است که شهروندان هر جامعه آن را از دولت متبوع خود مطالبه می‌نمایند؛ طرف دیگر این حق را باید وظیفه دولت در تأمین امنیت مورد مطالبه شهروندان خود دانست.

آنچه امروزه از آن به‌عنوان حق بر امنیت^۱ بشر تعبیر می‌شود، منحصر به امنیت جانی و سیاسی نیست؛ درواقع امنیت ابعاد مختلفی از قبیل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دارد و نظام‌های سیاسی و حقوقی کشورهای مختلف برای تأمین ابعاد مختلف امنیت سیاست‌های جنایی گوناگونی را به کار می‌گیرند. گاه سیاست جنایی مبتنی بر اصلاح، درمان و بازپروری بزهکاران مبتنی می‌شود و گاه سیاست جنایی در قبال پاره‌ای از جرایم رویکردی امنیت‌گرا اتخاذ می‌کند و پاسخی شدید به بزهکاری ارائه می‌دهد. در واقع می‌توان گفت رویکرد امنیت‌گرا وقتی حاکم می‌گردد که در تقابل حق جامعه و شهروندان مبنی بر امنیت داشتن در برابر بزهکاران با حق بزهکار مبتنی بر امنیت داشتن در برابر نهادهای عدالت کیفری و خودکامگی‌های قضایی، حق نخست بر دیگری چیره می‌شود.^۲

با توجه به اینکه یکی از جلوه‌های امنیت جامعه و شاخصه بارز آن امنیت اقتصادی است، تعیین رویکرد کیفری مناسب در تأمین آن همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود؛ زیرا معمولاً ثبات سیاسی و حاکمیتی یک کشور وابستگی مستقیم به امنیت اقتصادی آن دارد؛ فلذا نظام‌های حقوقی مختلف در تقابل با جرایم اقتصادی اصولاً به سازوکارهای کیفری متوسل می‌شوند. ماهیت حمایت حقوق کیفری از ارزش‌های اقتصادی بسته به اینکه نظام اقتصادی حاکم لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی یا دولتی

1. The Right to Security

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی»، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۳.

حضور دولت در عرصه اقتصاد پررنگ است؛ لذا دخالت حقوق کیفری در اقتصاد گسترده‌تر است و رویکردی جرم‌انگارانه را در این حوزه دنبال می‌کند؛ برخلاف نظام لیبرال یا اقتصاد آزاد که حمایت از سرمایه در آن مهم است و نقض ارزش‌های اقتصادی اصولاً با ضمانت اجرای غیرکیفری از قبیل صنفی یا اداری پاسخ داده می‌شود. شایان ذکر است، دخالت حقوق کیفری در اقتصاد که از آن تحت عنوان «حقوق کیفری اقتصادی»^۱ یاد می‌شود، از یک‌سو کارکردی سرکوب‌گرانه دارد که اعمال واکنش جامعه در قبال بزهکاران اقتصادی این کارکرد را تأمین می‌کند و از سوی دیگر کارکردی حمایتی دارد. این کارکرد حقوق کیفری اقتصادی با حمایت از ارزش‌های اقتصادی و تضمین فعالیت‌های تجاری مشروع و قانونی در جامعه محقق می‌شود. ضمانت اجرای این کارکرد حقوق کیفری اقتصادی «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» است.^۲ زیرا قانون‌گذار ضمن جرم‌انگاری صریح و تعیین ضمانت اجرای کیفری به نسبت رفتارهایی مانند پولشویی، قاچاق و ... اولاً اهتمام خود در مبارزه با جرایم اقتصادی را نشان می‌دهد و ثانیاً با تعیین مرز رفتار مجرمانه مسیر تجاوز به آزادی اقتصادی شهروندان به بهانه تأمین امنیت اقتصادی را می‌بندد.

نظام حقوقی و به تبع آن سیاست جنایی حاکم بر حوزه امنیت اقتصادی در ایران خصوصاً پس از انقلاب اسلامی با حاکمیت قوانین مبتنی بر شرع و با توجه به صبغه فقهی برخی جرایم اقتصادی از یک‌سو و از سوی دیگر با توجه به غلبه وجه دولتی یا ارشادی بودن نظام اقتصادی^۳ کشور رویکردی کیفری و بعضاً امنیتی به خود گرفته است؛ ولیکن این رویکرد سیر یکسانی در فرایند قانون‌گذاری کیفری ایران نداشته و بعضاً پیرو نوسانات اقتصادی ایجادشده در این سال‌ها فراز و فرود داشته است.

حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا^۴ در حوزه جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران را می‌توان در حوزه‌های مختلف، اعم از جرم‌انگاری مانند «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷» یا «قانون مجازات اخلاف گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹» و

1. The Economic Criminal Law

۲. ولیدی، محمد صالح، **حقوق کیفری اقتصادی**، ج ۲، جرایم علیه امنیت اقتصادی، چ ۱، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳، صص ۹۲-۹۳.

3. command economy

4. Security approach

...، فرایند و نحوه رسیدگی به این جرایم از قبیل رسیدگی در مراجع قضایی تخصصی و بعضاً اختصاصی یا تعیین قرارهای تأمین کیفری شدید و در نوع ضمانت اجرای شدید برای ارتکاب این جرایم از قبیل اعدام یا حبس ابد و... مشاهده کرد.

به همین منوال، ابتدا چرایی امنیت‌گرا شدن سیاست جنایی و به تبع آن نظام حقوق کیفری و زمینه‌های کلی شکل‌گیری این رویکرد در کنار علل اختصاصی اتخاذ این رویکرد در نظام سیاست جنایی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس در ادامه به شاخصه‌های امنیت‌گرایی در حقوق کیفری اعم از جلوه‌های این رویکرد در نظام حقوقی ماهوی و شکلی پرداخته خواهد شد.

۱. زمینه‌های شکل‌گیری رویکرد امنیت‌گرا

هر پدیده‌ای حسب ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود منشأ ظهور گفتمان‌های گوناگونی است. تجلی گفتمان‌ها از یک‌سو حاصل ابعاد مختلف یک پدیده و از سوی دیگر، ناشی از میزان شیوع آن در جامعه است. بدین ترتیب، هرچه پدیده‌ای رایج‌تر شود و از جنبه‌های بیشتری برخوردار باشد، گفتمان‌های بیشتری برای تبیین ابعاد آن پا به عرصه می‌گذارند و تلاش می‌کنند تا جنبه‌های مدنظر خود را در عرصه تعریف مشکل و نیز ارائه راهکار معرفی کنند.^۱

برای شکل‌گیری رویکرد امنیت‌گرای سیاست جنایی در قبال پدیده جرایم اقتصادی به‌عنوان پدیده‌ای رایج و شایع، زمینه‌هایی به شرح زیر می‌توان برشمرد که هر کدام از یک جهت و با تأثیری متفاوت از دیگری منجر به ایجاد این نگرش شده است. در کنار زمینه‌های کلی که رویکرد سیاست جنایی را به سمت امنیت‌گرایی در قبال جرایم اقتصادی سوق می‌دهد، باید مواردی که به‌صورت خاص در طول این سال‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر در جهت اتخاذ این رویکرد توسط سیاست‌گذاران جنایی ایران بوده است، نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، محمد فرجی‌ها و سکینه خانعلی‌پور واجارگاه، «مشخصه‌های گفتمانی فرایند جرم‌انگاری ارتشا در دهه ۶۰ خورشیدی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، د ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۶.

۱.۱. توسعه مفهوم امنیت

مفهوم امنیت در طول زمان مصادیق متعددی را دربرگرفته است. چنان‌که شاید در گذشته‌ای نه چندان دور آنچه از این مفهوم به ذهن متبادر می‌شد، صرفاً امنیت جانی بشر و بعد از آن امنیت سیاسی جامعه بود؛ ولیکن امروزه این مفهوم به قدری توسعه مصداق پیدا کرده است که از تعبیری همچون امنیت روانی، امنیت شغلی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت اطلاعات شخصی، امنیت فرهنگی و... در این خصوص نام برده می‌شود. با توسعه مفهوم امنیت و ضرورت تأمین وجوه مختلف این حق بشری، اولاً در جامعه نوعی گفتمان امنیت‌گرا شکل گرفته و ثانیاً شهروندان با انتخاب دولت‌های معتقد به این گفتمان برای ایجاد فضای امنیتی در برخورد با جرایم و رخت بر بستن احساس ترس از ارتکاب جرم در جامعه رأی به حاکم شدن حقوق کیفری امنیت‌گرا می‌دهند.^۱

علاوه بر این در بستر سیاست جنایی ایران و به‌طور خاص پس از انقلاب اسلامی، همانا گفتمان حاکم، با اهمیت بخشیدن به جرایم اقتصادی چه در برهه جنگ تحمیلی و چه پس از آن و در دوره‌های نوسانات اقتصادی اخیر، از این جرایم با عناوینی همچون فساد اقتصادی تعبیر کرده و همواره امنیت اقتصادی را به رسمیت شناخته است. امنیتی که در کنار امنیت سیاسی، به‌عنوان ارزشی مستقل و بنیادین و سزاوار صیانت توسط حقوق کیفری، به‌عنوان متداول‌ترین و سنتی‌ترین سازوکار، معرفی می‌شود.^۲ نمونه بارز این نگرش در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۳۰ و ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۰ متجلی است.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)**، دیپاچه بر مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، سودابه رضوانی، تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۱۲.
 ۲. کوشا، جعفر، «امنیت اقتصادی با تأکید بر پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و پولشویی»، در: *یادنامه شادروان* دکتر رضا نورپها (ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی)، زمستان ۱۳۹۰، ص ۸۷۳.

۱.۲. نقش حاکمیت سیاسی

حکومت‌های سیاسی به ویژه دولت‌های مرکزی از این حیث که متولی تأمین امنیت شهروندان خود هستند با شعار و وعده سیاسی تحقق امنیت کامل، رویکرد سنتی خود را در قبال برخی جرایم مانند جرایم تروریستی که فضای ترس بر جامعه حاکم می‌کند، کنار گذاشته و به منظور پاسخ به مطالبه‌گری امنیت توسط شهروندان با صرف بودجه‌های کلان، سازوکارهای قانونی یا رویه‌ای جدیدی در پیشگیری یا مبارزه با این جرایم ایجاد می‌نمایند. این امر البته به جرایم امنیتی به مفهوم سنتی آن اختصاص نیافته و با توسعه مفهوم امنیت به شرح پیش‌گفته، امنیت اقتصادی را نیز شامل می‌شود.^۱ بدیهی است اتخاذ این رویه توسط حاکمیت، زمانی که اقتصاد یک کشور عمده‌تأ دولتی باشد، به مراتب پررنگ‌تر خواهد بود؛ چه آنکه دولت علاوه بر دغدغه تأمین امنیت اقتصادی شهروندان و رفع مطالبات ایشان در این زمینه، همواره در پی بقای اقتصادی و تقویت اقتصاد خود خواهد کوشید تا مبادا با گزندی به اقتصاد، حاکمیت سیاسی دچار ضعف و تزلزل گردد. اینجاست که جرم اقتصادی بیشتر از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی و امنیتی است و دغدغه اصلی نظام و حاکمیت قرار می‌گیرد.

در این فضا است که حاکمیت سیاسی متأثر از تحریم‌های اقتصادی ویرانگر در طول سالیان متمادی که منجر به تضییق روابط تجاری و محدودیت صادرات کالا شده و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور و نوسانات متوالی در بازارهای مسکن، ارز و طلا را در پی داشته است، در پی حفظ ثبات اقتصادی و برخورد با برهم‌زنندگان داخلی نظم اقتصادی برآمده و از ارتکاب جرم اقتصادی بعضاً به‌عنوان «تهدید علیه حاکمیت»، «تروریسم اقتصادی»، «اخلال در نظام اقتصادی»، «افساد فی‌الارض» و محاربه یاد می‌کند و به‌طور کلی گفتمان حاکمیت درخصوص این دسته از بزه‌کاران با توجه به تقارن زمانی ارتکاب بزه ایشان با دخالت عوامل خارجی بین‌المللی و سیاست‌های خصمانه بعضی دول متخاصم در تقابل با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، تغییر کرده و بارها از مجرمین اقتصادی به‌عنوان دشمن یاد می‌شود.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی»، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۱۸.

شاید از همین رهگذر است که حاکمیت جمهوری اسلامی به‌ویژه در طول سالیان اخیر، با ناکارآمد دانستن سازوکارهای موجود در زمینه پیشگیری و مقابله با جرایم اقتصادی دست به ابتکار عمل‌های مختلفی در این عرصه زده و با اقداماتی از قبیل تشکیل دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی^۱ با سازوکارهای رسیدگی جدید و بعضاً خلاف قواعد عمومی مذکور در آیین دادرسی کیفری، در پی واکنش مناسبی در مقابله با این جرایم بوده است.

۱.۳. ظهور جرایم سازمان‌یافته ملی^۲ و فراملی^۳

جهانی‌شدن در مفهوم کنونی، به معنای از بین رفتن مرزهای میان جوامع انسانی است که منجر به تشکیل همبستگی و وحدت جامعه جهانی شده است.^۴ به‌موازات جهانی‌سازی، تشکیل جامعه بین‌الملل و نظم عمومی جهانی نیز حادث گردیده و اکنون شهروندان جوامع مختلف از اتفاقات و حوادث جهانی بی‌تأثیر نخواهند ماند. روابط اجتماعی و تأثیرپذیری نظام‌های سیاسی و اقتصادی از تحولات جهانی، همواره ناشی از جهانی‌شدن بوده و آثار آن در تلاقی روابط انسانی محسوس‌تر شده است. ارتکاب جرم نیز که پیش‌تر در محدوده سرزمینی یک کشور و علیه منافع یک شخص یا گروهی خاص با به‌کارگیری آلات و ابزارهای شخصی صورت می‌گرفت، اکنون تبدیل به جرم جهانی شده و به‌موازات آن تشکیل بزه‌کار و بزه‌کاری بین‌المللی را به همراه داشته، به‌نحوی که می‌توان گفت امنیت ملی در سایه جهانی‌شدن به امنیت بین‌المللی تبدیل شده و جرایم سازمان‌یافته تهدیدی برای امنیت ملی و بین‌المللی است. ارتکاب برخی جرایم مانند جرایم تروریستی، قاچاق اسلحه و مهمات، قاچاق انسان، پول‌شویی، قاچاق اعضای بدن انسان و ...، امنیت بین‌المللی و جهانی را به مخاطره انداخته است.^۵

۱. موضوع استیجازه ریاست وقت قوه قضائیه از مقام رهبری پیرامون تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی سال ۱۳۹۷.

2. Organized Crime
3. Transnational Crime

۴. بارانی، محمد، *پیشگیری از جرائم جهانی*، نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۳، ص ۲۲.

۵. جوانمرد، بهروز، *تسامح صفر سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرائم خرد*، نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۸، ص ۲۳.

به‌همین منوال تغییر در اشکال مختلف بزهکاری اقتصادی و روی آوردن بزهکاران به ارتکاب جرایمی مانند قاچاق ارز، قاچاق کالا، پول‌شویی و ...، به نحو سازمان‌یافته و فراملی که هم منافع بیشتری برای مرتکبین دارد، هم کشف و تعقیب جرم را دشوارتر می‌نماید و هم دامنه بزه‌دیدگان آن عمدتاً وسیع‌تر بوده و بیش از سایر اشکال ارتکاب جرم منجر به حاکم شدن ترس و احساس ناامنی در جامعه می‌گردد و نظم سیاسی جامعه را به مخاطره می‌کشد، پاسخ امنیت‌گرایانه حقوق کیفری به این جرایم را توجیه می‌کند.

۲. شاخصه‌های امنیت‌گرایی در حقوق کیفری

رویکرد امنیت‌گرا در حقوق کیفری منحصر در شدت بخشیدن به مجازات مرتکبین برخی جرایم نیست؛ بلکه اتخاذ تصمیم‌های گوناگونی در سیاست جنایی می‌تواند منجر به ایجاد این رویکرد در نظام پاسخ‌دهی حقوق کیفری گردد. تصمیم‌هایی که می‌تواند منجر به جرم‌انگاری جدید، تغییر در سازوکارهای دادرسی کیفری و در نهایت افزایش شدت یا تغییر در نحوه اجرای مجازات‌های قانونی این جرایم باشد. به تعبیر دیگری می‌توان گفت روی آوردن به رویکرد امنیت‌گرا منجر به تغییر در مقررات ماهوی و شکلی حقوق کیفری می‌گردد. با توجه به کثرت این شاخصه‌ها برخی از آنها تحت عناوین زیر بررسی می‌شود.

۲.۱. شاخصه‌های امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ماهوی

۲.۱.۱. عدم ارائه تعریف صریحی از جرم اقتصادی

درخصوص جرایم اقتصادی باید گفت تعریف واحدی از جرم اقتصادی در ادبیات حقوقی فعلی ایران وجود ندارد.^۱ بر همین اساس قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در تعریف این جرایم از شیوه بیان مصداق استفاده کرده و مصادیق جرم اقتصادی را برشمرده است. علی‌رغم اینکه جرایم مذکور ذیل ماده ۳۶ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن مصادیق جرم اقتصادی محسوب می‌شوند، ماده مزبور به‌صراحت از این به‌عنوان جرم اقتصادی یاد نکرده است، بلکه بند «ب» ماده ۱۰۹ این قانون، در مقام بیان جرائمی که مشمول قواعد مرور زمان نیست، مقرر

۱. میر سعیدی، سید منصور و محمود زمانی، «جرم اقتصادی: تعریف یا ضابطه؟»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

می‌دارد: «جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون، با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده.» از این عبارت برداشت می‌شود که کلاهبرداری مذکور در صدر ماده ۳۶ این قانون و جرائم مندرج در تبصره این ماده از نظر قانون‌گذار جرم اقتصادی^۱ محسوب می‌شوند.

اگرچه استفاده از این شیوه در تعریف جرایم اقتصادی این حسن را به دنبال خود دارد که مصادیق این جرم به‌طور صریح بیان می‌شود، با این مشکل روبه‌روست که وجه ممیزه و مشترک این مصادیق که قانون‌گذار براساس آن این جرایم را کنار هم ذکر کرده، مشخص نشده و اساساً معلوم نیست وجه ممیزه فساد اداری و جرم اقتصادی که در این مصادیق احصا شده، چیست؟ توضیح آنکه برخی از این مصادیق هم فساد اداری محسوب می‌شوند و هم می‌توانند به‌عنوان جرم اقتصادی مورد بررسی قرار گیرند. برای مثال درمورد ارتشا و اختلاس این سؤال پیش می‌آید

۱. به موجب مقررات فعلی کشور ما جرائم اقتصادی عبارت‌اند از: ۱- کلاهبرداری موضوع ماده یک «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری» مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۲- رشا و ارتشا موضوع ماده سه «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری» و ماده ۵۹۲ «قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»؛ ۳- اختلاس موضوع ماده پنج «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری»؛ ۴- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری موضوع «قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» مصوب ۲۹ آذر ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی؛ ۵- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری موضوع «قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارکنان دولت در معاملات دولتی و کشوری» مصوب ۱۳۳۷ مجلس سنا؛ ۶- تبانی در معاملات دولتی موضوع ماده واحده «قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی» مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۴۸ مجلس سنا؛ ۷- اخذ پورسانت در معاملات خارجی موضوع ماده واحده «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی» مصوب ۲۷ تیر ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی و ماده ۶۰۳ «قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»؛ ۸- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت موضوع مواد ۵۹۸ تا ۶۰۶ (فصل سیزدهم: تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت) «قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی؛ ۹- جرائم گمرکی؛ ۱۰- قاچاق کالا و ارز؛ ۱۱- جرائم مالیاتی موضوع «قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، خصوصاً ماده ۲۷۴ قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳۱ تیر ۱۳۹۴ و همچنین ماده ۲۲ «قانون مالیات بر ارزش افزوده» مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی؛ ۱۲- پول‌شویی موضوع ماده دو «قانون مبارزه با پول‌شویی» مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳- اخلال در نظام اقتصادی کشور موضوع «قانون مجازات اخلاگران نظام اقتصادی کشور» مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی؛ ۱۴- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی که موضوع ماده ۵۹۸ «قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی.

که آیا این دو فساد اداری به شمار می‌آیند یا جرم اقتصادی و اگر هر دو، از چه بعد می‌توان یک عمل را فساد اداری دانست و از چه بعد آن را جرم اقتصادی؟

همین موضوع از زاویه‌ای دیگر درمورد برخی دیگر از این مصادیق نیز وجود دارد. برای مثال باید پرسید آیا تمام انواع کلاهبرداری جرم اقتصادی است یا تنها کلاهبرداری از نهادهای عمومی جرم اقتصادی محسوب می‌شود؟ آیا جرایم اقتصادی محدود به همین موارد است؟ برای مثال نمی‌توان سرقت را در مواردی جرم اقتصادی دانست؟ آیا نقض قوانینی نظیر قانون ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل، قانون تعزیرات حکومتی، قانون امور صنفی، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نمی‌تواند در مواردی جرم اقتصادی محسوب شود؟

در هر صورت، در حال حاضر سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی را باید در قوانین فوق‌الذکر جست‌وجو نمود؛ لیکن به نظر می‌رسد چنانچه تعریف بهتری از جرایم اقتصادی مد نظر قرار گیرد و ملاکی معین نظیر موضوع جرم، آثار زیان‌بار آن، سازمان‌یافتگی، ارتباط جرم با نهادهای عمومی و غیره به‌عنوان وجه ممیز جرم اقتصادی و جرم عادی مقرر گردد، بتوان مقررات دیگری را نیز به این حوزه اضافه کرد. برای مثال «قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷»، «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰»، «قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸»، «قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳»، موادی از «قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحی ۱۳۹۴»، موادی از «قانون تجارت» و موادی از «قانون تجارت الکترونیکی»، موادی «از قانون واردات و صادرات»، موادی از «قانون تعزیرات حکومتی» و موادی از «قانون امور صنفی» از جمله این مقررات است.

۲.۱.۲. جرم‌انگاری جدید

رسالت حقوق کیفری، از یک منظر، جرم‌انگاری و گزینش واکنش اجتماعی مناسب در راستای پاسداری از ارزش‌های جامعه انسانی است و در آن کوشش شده که امنیت آحاد جامعه و نهادهای آن تأمین گردد.^۱ وصف مجرمانه دادن به برخی رفتارها که پیش از آن مباح بوده یا

۱. آقا بابایی، حسین، **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، ج ۱، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹.

صرفاً یک تخلف اداری و انتظامی به شمار می‌آمده، می‌تواند در زمرهٔ مصادیق امنیت‌گرایی در حقوق کیفری مطرح شود؛ زیرا جرم‌انگاری یعنی تغییر رویکرد نگرش سیاست جنایی به یک رفتار. توضیح آنکه در این تغییر نگرش یک‌سری از افراد یا پاره‌ای از رفتارها خطرناک تشخیص داده و از این رهگذر برجسته و مشمول مقررات کیفری می‌شوند. بنابراین زمانی که ارتکاب رفتاری برای امنیت اقتصادی جامعه خطرناک تشخیص داده شود و نتوان با ابزار و ضمانت اجراهای غیرکیفری به آنها پاسخ گفت، قانون‌گذار آن رفتار را جرم می‌انگارد.

به‌عنوان نمونهٔ اخیر از جرم‌انگاری جدید و توسعهٔ مصادیق مجرمانه متأثر از حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا به جرایم اقتصادی در نظام تقنینی ایران، می‌توان به افزایش مصادیق قاچاق ارز ذیل ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۴۰۰ اشاره کرد. توضیح آنکه در مادهٔ اخیرالذکر که به‌عنوان عنصر قانونی این بزه، جایگزین بند «خ» ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ شده است،^۱ علاوه بر خرید، فروش و حوالهٔ ارزی بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی و بدون رعایت ضوابط تعیین دولت که در بند «خ» مادهٔ ۲ ذکر شده بود، تصریح شده است که «انجام معاملهٔ ارزی در کشور، تحت هر عنوان نظیر خرید، فروش، حواله، معاوضه یا صلح ...» قاچاق است؛ فلذا معاملات ارزی مشمول قاچاق، منحصر در خرید و فروش و حواله نیست و هر معامله‌ای با حصول سایر شرایط می‌تواند مشمول عنوان قاچاق ارز باشد. علاوه بر آن، برخی رفتارهایی که سابقاً در دستورالعمل اجرایی «تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها»^۲ به‌عنوان تخلف انتظامی صرافی‌های دارای مجوز از بانک مرکزی به‌شمار می‌رفت، در بندهای «ج»، «چ» و «ح» ماده ۲ مکرر به‌عنوان قاچاق ارز جرم‌انگاری شده است.

۲.۱.۳. پذیرش فرض مجرمیت^۳

رویکرد سنتی حقوق کیفری به بزه و شخصی که متهم به ارتکاب یک بزه است بر اساس دو بعد قانونی و قضایی اصل برائت به ترتیب این‌گونه است که هیچ عملی جرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه قانون‌گذار اعلام و برای آن مجازات تعیین کند و نیز فردی که به‌عنوان متهم تحت

۱. بند «خ» ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ به موجب اصلاحات سال ۱۴۰۰ و به استناد نسخه منتشر شده روزنامه رسمی، حذف و ماده ۲ مکرر جایگزین آن شده است.

۲. مصوب شورای پول و اعتبار

تعقیب قرار گرفته تا زمانی که جرم وی در دادگاه صالح به اثبات نرسد بی‌گناه فرض می‌شود.^۱ همین نگرش موجب شده تا قانون‌گذار در ماده ۴ «قانون آیین دادرسی کیفری» به صراحت تمام حاکمیت اصل برائت در دادرسی کیفری را بیان نماید.^۲ در مقابل این نگرش سنتی، رویکرد امنیت‌گرا، فرض مجرمیت را پذیرفته است؛ این پذیرش این معنا را در بردارد که متهم به ارتکاب بزه، بزه‌کار تلقی می‌شود، مگر اینکه بتواند دلیلی بر عدم بزهکاری خود اقامه کند.^۳

پر واضح است که تفاوت این دو رویکرد در بار اثبات منشأ اثر است؛ به گونه‌ای که در رویکرد اول وظیفه اثبات جرم به عهده نهاد تعقیب بوده و براساس نگرش دوم متهم باید اقامه دلیل بر گناهکار نبودن خود اقامه نماید. پذیرش فرض مجرمیت نیز مانند فرض برائت^۴ دارای دو جنبه قانونی و قضایی است؛ یکی از مثال‌های پذیرش فرض مجرمیت در نظام قانون‌گذاری کیفری ایران را می‌توان ماده ۴۹۹ «قانون مجازات اسلامی تعزیرات» دانست. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است». بنابراین قانون‌گذار اصل را بر عالم بودن عضو گذاشته و یعنی این‌گونه تصور کرده است که اگر شخصی در دسته یا جمعیتی عضو می‌شود حتماً از اهداف آن مطلع است، مگر آنکه خود از بار اثبات عدم اطلاع خود از اهداف آن دسته یا جمعیت برآید.^۵

اگرچه در حال حاضر، مصداقی از جرایم اقتصادی را نمی‌توان یافت که قانون‌گذار فرض مجرمیت را در آن پذیرفته باشد، ولی در فرایند رسیدگی و در واقع رویه قضایی خصوصاً در مواردی که قراین و امارات بر ارتکاب جرایمی نظیر پول‌شویی، قاچاق کالا و ارز و ... وجود داشته باشد، فرض مجرمیت حاکم است. برای مثال علی‌رغم اینکه ماده ۱ «قانون مبارزه با پول‌شویی» صراحتاً اصل را بر صحت و اصالت معاملات تجاری اعلام نموده است؛ زمانی که یکی از دستگاه‌های مشمول قانون مبارزه با پول‌شویی مثلاً یک بانک گزارش عملیات و معاملات مشکوک به

۱. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چ ۹، نشر شهر دانش، ۱۳۹۶، ص ۳۰.

۲. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری «اصل، برائت است. ...».

۳. رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷.

4. Presumption of Innocence

۵. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۲۴، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۷۰.

پول‌شویی موضوع بند «ج» ماده ۷ «قانون مبارزه با پول‌شویی» و بند «و» و تبصره ماده ۱ «آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی»^۱ را درمورد یکی از مشتریان خود بر اساس شاخصه‌های عملیات مشکوک، به نهادهای ذی‌ربط و مراجع قضایی ارجاع دهد، این شخص پول‌شو محسوب می‌شود و از وی خواسته می‌شود در خصوص منشأ وجوه موجود در حساب خود توضیح داده و با اقامه دلیل اثبات نماید که این وجوه مجرمانه نیست.

۲.۱.۴. افزایش کیفیات مشدده

پاسخ حقوق کیفری به مرتکبین یک جرم واحد لزوماً یکسان نیست؛ زیرا گاه مرجع رسیدگی‌کننده به دستور قانون‌گذار خصوصیات فردی مرتکب را برای اعمال قانون در نظر می‌گیرد. توجه به خصوصیات فردی مرتکب جرم در تعیین مجازات را فردی‌سازی کیفر می‌گویند. فردی‌سازی کیفر و متناسب ساختن مجازات با توجه به شدت جرم، شرایط مرتکب، صدمه و آسیب‌های واردشده به بزه‌دیده و جامعه و... اصولاً از طریق اعمال یا عدم اعمال کیفیات مخففه و مشدده صورت می‌پذیرد. در رویکرد امنیت‌گرایانه اصولاً سخن از اعمال کیفیات مشدده در پاسخ‌دهی کیفری به میان می‌آید. این تشدید گاه صراحتاً در قانون ذکر می‌شود و گاهی عدم اعمال کیفیات مخففه یا نهادهای قانونی که برای تخفیف یا تعلیق مجازات در نظر گرفته شده منجر به تشدید مجازات می‌شود.

پیش‌تر گفته شد قانون‌گذار در تعریف جرایم اقتصادی از شیوه احصای مصادیق بهره‌جسته و مصادیق این جرم نیز وفق تصریح بند «ب» ماده ۱۰۹ «قانون مجازات اسلامی»، جرایم موضوع ماده ۳۶ این قانون و تبصره آن است. رویکرد قانون مجازات اسلامی به جرایم اقتصادی از این حیث که معتقد به عدم اعمال سازوکارهایی مانند تعلیق، تعویق و مرور زمان است مشدد محسوب می‌شود. مواد ۴۷ و ۱۰۹ قانون مزبور به ممنوعیت تعویق، تعلیق و شمول مرور زمان به این موارد پرداخته است.^۲

۱. جهت مطالعه بیشتر رک: قانون مبارزه با پول‌شویی و آیین‌نامه اجرایی آن.

ماده ۴۷ مقرر می‌دارد: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست: ج. جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال». ماده ۱۰۹ این قانون نیز اشعار می‌دارد: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف. جرائم علیه»

با نگاه به دو مقررۀ فوق می‌توان دریافت رویکرد قانون‌گذار جمهوری اسلامی به جرایم اقتصادی و هم‌سنگ دانستن این جرایم با مواردی مانند جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم سازمان‌یافته، جرایم مربوط به مواد مخدر، قاچاق انسان و... در عدم امکان تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و نیز عدم جاری بودن مقررات مرور زمان در این جرایم رویکردی امنیت‌گرا است.

۲.۱.۵. افزایش کنترل نهادهای کیفری در برخی جرایم

اعمال کنترل گاه به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرم است و گاه این کنترل با هدف کشف جرم، شناسایی و تحصیل ادله وقوع جرم اعمال می‌شود. کنترل اصولاً درمورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم مهم یا شدید صورت می‌گیرد. کنترل شهروندان به بهانه پیشگیری از ارتکاب جرم علاوه بر اینکه موجب محدودیت در حقوق و آزادی‌های فردی آنها می‌شود از حیث ملاحظات حقوق بشر نیز پذیرفته نیست. با توجه به اهمیت آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی، اصولاً تضمینات رعایت این حقوق در قوانین اساسی کشورها جای داده می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با اختصاص فصلی به حقوق ملت ضمن بر شمردن حقوق اساسی شهروندان خود، ذیل اصل ۲۵ مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم‌مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». بنابراین راهبرد کلی قانون اساسی در این خصوص ممنوعیت کنترل یا به عبارتی تجسس به بهانه پیشگیری یا مبارزه با جرم است مگر اینکه قانون درمورد جرمی به‌طور خاص و صریح اجازه دهد. آیین دادرسی کیفری جایگاه رعایت حقوق بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و جامعه در فرایند رسیدگی است. این قانون به‌عنوان تجلیگاه حقوق و آزادی‌های فردی و یک سنگ محک برای سنجیدن جدیت قانون‌گذار در اعتبار بخشیدن به این حقوق و آزادی‌ها شناخته می‌شود. موارد تجویز شده کنترل برخی از رفتارهای شهروندان در «قانون آیین دادرسی کیفری» ذیل مواد ۱۵۰ و ۱۵۱ این قانون برشمرده شده است.

→ امنیت داخلی و خارجی کشور؛ ب. جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده...».

وفق ماده ۱۵۰ «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود...». قانون‌گذار در بیان موارد مجاز به کنترل شهروندان از دو معیار بهره جسته است. اولاً با بیان یک ضابطه کلی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی اشاره کرده است. علی‌رغم اینکه تعریفی از این جرایم ارائه نشده، ولی مصادیق آن ذیل فصل اول قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات از مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ذکر شده است. معیار دوم قانون‌گذار در ماده ۱۵۰ فوق‌الذکر نیز احصای مصادیق برخی جرایم مهم است که مجازات آنها ذیل چهار بند اول ماده ۳۰۲ آن قانون ذکر شده و در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و انقلاب هستند.

آنچه که از کنترل افراد در «قانون آیین دادرسی کیفری» بیشتر به جرایم اقتصادی مرتبط می‌شود، ماده ۱۵۰ این قانون است. براساس ماده مزبور «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس کل دادگستری استان کنترل کند». از آنجا که جرایم اقتصادی معمولاً در بستر فعالیت‌های بانکی صورت می‌پذیرد، کنترل حساب‌های بانکی خصوصاً در جرایمی مانند پول‌شویی، قاچاق ارز و جرایم مالیاتی، هم می‌تواند در پیشگیری از جرایم بعدی مؤثر واقع شود و هم در کشف این جرایم و توقیف وجوه موجود در حساب‌های بانکی به‌عنوان وسایل ارتکاب جرم یا اموال حاصل‌شده از جرم را تسهیل کند.

کنترل حساب‌های بانکی فردی که هنوز در پناه اصل برائت قرار دارد و هنوز مجرمیت وی اثبات نشده و با سایر شهروندان در نگاه قانون‌گذار بین وی با سایرین تفاوتی نیست، به بهانه کشف جرم و دستیابی به ادله وقوع جرم از مصادیق نگاه امنیت‌گرا در جرایم اقتصادی است.

۲.۱.۶. تعیین مجازات‌های شدید و ثابت

یکی از شاخصه‌های قانون‌گذاری صحیح و منطقی رعایت تناسب بین جرم ارتكابی و مجازات قانونی تعیین شده برای آن رفتار مجرمانه است که از آن تحت عنوان اصل تناسب جرم و مجازات یاد می‌شود.^۱ قانون‌گذار در برخی جرایم با توجه به فلسفه جرم‌انگاری آنها یا با توجه به

۱. رحمدل، منصور، تناسب جرم و مجازات، ج ۱، انتشارات سمت، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰

ضرر و صدمه‌ای که از ارتکاب آن به جامعه و افراد وارد می‌شود، از این اصل عدول می‌کند. نمونه‌های متعددی از عدول قوانین کیفری ایران از این اصل به چشم می‌آید که شاید بارزترین آن مجازات‌های قانونی جرایم مربوط به مواد مخدر است که گاه مشاهده می‌شود برای قاچاق یا حمل مقادیر بسیار ناچیزی از برخی مواد مخدر صنعتی و روان‌گردان کیفرهای شدیدی همچون حبس‌های طولانی مدت، حبس ابد و یا حتی اعدام در نظر گرفته شده است.

به کارگیری مجازات‌های شدید و ثابت عمدتاً ناشی از شکست سیاست‌های اصلاحی و درمانی در تعیین مجازات است. در رویکرد اصلاح و بازپروری، مجازات بزهکار با رعایت شأن و کرامت انسانی وی و لزوم توجه به حقوق بشر تعیین می‌شود،^۱ ولیکن در رویکرد امنیت‌گرا با توجه به اینکه حق جامعه و شهروندان قانون‌مدار آن بر حق بزهکار ترجیح داده می‌شود و هدف از مجازات صرفاً تأمین امنیت جامعه است، این ملاحظات حقوق بشری و کرامت‌مدارانه در نظر گرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر، در رویکرد امنیت‌گرا هدف وسیله را توجیه می‌کند و شدت عمل در برخورد با بزه و بزهکار برای تأمین امنیت نه تنها قبیح نیست، بلکه توصیه هم می‌شود.^۲

رویکرد قانون‌گذار کیفری جمهوری اسلامی به برخی جرایم اقتصادی هم‌سنگ برخی جرایم امنیتی است و حتی در برخی موارد از مجازات جرایم امنیتی هم فراتر رفته و بعضی مصادیق جرایم اقتصادی را در حکم محاربه و افساد فی‌الأرض دانسته و مجازات‌های سالب حیات برای آنها در نظر گرفته شده است. برای مثال «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹» در ماده ۱ برخی از مصادیق جرم اقتصادی را برشمرده و در ماده ۲ مجازات این جرایم را ذکر کرده است.

ماده ۲ فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود. ... دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **دفاع اجتماعی در آغاز سده بیست و یکم**، دیپاچه بر ویراست چهارم کتاب دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، ج ۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۱۱.
 ۲. گلدوست جویباری، رجب، مهدی ابراهیمی میانرزی و عبدالحسین سلطانی رنانی، «بررسی رویکرد امنیت‌گرا به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی-قضایی*، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۶۴.

مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.» مجازات‌های موضوع این ماده با توجه به زمان تصویب این قانون و روح حاکم بر فضای قانون‌گذاری و موج جرایم اقتصادی پس از جنگ، توجیه‌پذیر بود. ولی برخی از قانون‌گذاری‌های بازه زمانی مزبور علاوه بر اینکه در زمان تصویب مفید نبود، اکنون نیز به دلیل عدم تناسب مجازات با جرم عملاً متروکه شده است. نمونه بارز این امر جرایم موضوع «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷» و مجازات آنهاست.

قانون‌گذار فعلی جمهوری اسلامی اکنون نیز در تعیین مجازات برای برخی جرایم اقتصادی از همان الگوی قانون‌گذاری دهه ۶۰ بهره برده است. برای مثال می‌توان به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. ماده مورد اشاره در تبیین برخی مصادیق افساد فی‌الأرض به فساد اقتصادی نیز پرداخته و مجازات آن را در صورتی که به اخلال گسترده و شدید انجامیده باشد یا خیر، از اعدام تا حبس تعزیری اعلام نموده است.

این‌گونه جرم‌انگاری و تعیین مجازات در جرایم اقتصادی اولاً با توجه به اینکه ارتکاب جرم در نظام قانون‌گذاری کیفری جمهوری اسلامی نقض اوامر و نواهی الهی شمرده می‌شود، ثانیاً با عنایت به اینکه اقتصاد ایران در حال حاضر اقتصاد دولتی یا ارشادی است و ثالثاً با توجه به صبغه فقهی جرایم محاربه و افساد فی‌الأرض و مبارزه با نظام اسلامی توجیه شده است.

۲.۲. شاخصه‌های امنیت‌گرایی در حقوق کیفری شکلی

امنیت‌گرایی در نظام حقوق کیفری ایران در قبال جرایم اقتصادی از یک‌سو ذیل ساختارها و نهادهای رسیدگی‌کننده و از سوی دیگر از حیث ترتیبات و تشریفات رسیدگی قابل بررسی است که به ترتیب به این شرح است:

سازوکارهای دادرسی عموماً در زمره مقررات شکلی حقوق کیفری است که از آن تحت عنوان آیین دادرسی کیفری نام برده می‌شود. بر اساس تعریف ماده ۱ «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مجموعه اصول و قواعدی را که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی و... تا اجرای حکم و تعیین گستره وظایف و اختیارات مقام‌های قضایی و ضابطان دادگستری و نیز رعایت حقوق بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه وضع می‌گردد، آیین دادرسی کیفری می‌گویند. در نگرش امنیت‌گرایی در پاسخ‌دهی حقوق کیفری به جرایم برخی از تضمینات

و قواعد دادرسی که به منظور رعایت دادرسی عادلانه و منصفانه وضع گشده و به نوعی ضامن رعایت حقوق بزهکار مذکور در ماده ۱ «قانون آیین دادرسی کیفری» است، نادیده انگاشته می‌شود^۱ و به‌نوعی آیین دادرسی کیفری در جرایم اقتصادی دادرسی متمایز از عمومات آیین دادرسی کیفری شکل می‌گیرد و رسیدگی افتراقی به این جرایم حکمفرما می‌شود.

آیین دادرسی کیفری اقتصادی که از جلوه‌های برجسته افتراقی شدن دادرسی کیفری به شمار می‌رود، شامل آن دسته از ضوابط است که در چارچوب آنها از مقررات ناظر به نهادها و کارگزاران رسیدگی‌کننده به جرم‌های اقتصادی، چگونگی دادرسی ناظر به این نوع بزهکاری‌ها و نیز حق‌های کنشگران دعوای کیفری برآمده از جرم‌های اقتصادی سخن به میان می‌آید. این شاخه که در این هنگام مورد توجه شماری از سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته، دارای خصیصه‌های متعددی است که تخصّص‌گرایانه بودن و همچنین برخوردار بودن از اصول و ضوابط ویژه از مهم‌ترین آنها هستند. به هر ترتیب جرایم اقتصادی، عمدتاً از سوی بزهکاران دارای حالت خطرناک بالا، ظرفیت جنایی و میزان سازگاری اجتماعی بالا و برای رسیدن به منفعت‌های مادی سرشار ارتکاب می‌یابد.^۲

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در رویکرد امنیت‌گرا و در تقابل حق امنیت جامعه و شهروندان در برابر بزهکار و بزه با حق بزهکار بر تضمین امنیت وی در برابر نهاد عدالت کیفری، خصوصاً با توجه به دارا بودن حالت خطرناک این بزهکاران و گستره آسیب‌های حاصل از ارتکاب جرایم ایشان در عرصه اقتصاد کلان، کفه ترازو به نفع حق جامعه و شهروندان ناکرده‌بزه سنگین‌تر می‌شود.

امنیت‌گرایی در نظام حقوق کیفری شکلی ایران در قبال جرایم اقتصادی از یک‌سو ذیل ساختارها و نهادهای رسیدگی‌کننده و از سوی دیگر از حیث ترتیبات و تشریفات رسیدگی قابل بررسی است. با حاکمیت فضای امنیت‌گرا در فرایند رسیدگی به جرایمی که پاسخ‌دهی کیفری به آنها تابع این رویکرد است به نسبت آیین دادرسی جرایم دیگر تغییراتی ایجاد می‌شود. مهم‌ترین مصادیق این تغییر فرایند را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۱۸.

۲. نیازپور، امیرحسن، **آیین دادرسی کیفری اقتصادی**، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۹۸، ص ۲۱.

۲.۲.۱. اختصاصی شدن رسیدگی‌ها

در یک تقسیم‌بندی کلی مراجع رسیدگی به جرم به عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. مراجع عمومی مراجعی‌اند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به همه جرایم را دارند، مگر جرایمی که به‌طور استثنایی در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد و بالعکس به مراجعی اختصاصی می‌گویند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را صراحتاً در صلاحیت آنها قرار داده باشد. درواقع باید گفت منظور از رسیدگی اختصاصی این است که قانون مرجع خاصی را برای رسیدگی به نوع یا انواع خاصی از جرایم اختصاص دهد به گونه‌ای که این مرجع صلاحیت رسیدگی به جرم دیگری را نداشته باشد.^۱

رسیدگی‌های اختصاصی به ویژه در برابر جرایمی که مخل امنیت به شمار می‌روند، عمدتاً با هدف شدت بخشیدن و عدم تسامح و تساهل در برابر مرتکبین این جرایم در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این با توجه به روح حاکم بر رویکرد امنیت‌گرا در پاسخ‌دهی کیفری و استیلای حق امنیت شهروندان و جامعه بر حقوق متهم و بزه‌کار، محدودیت‌هایی در حقوق دفاعی متهم ایجاد می‌شود؛ حال آنکه همین حقوقی که به سبب رویکرد مذکور در این جرایم و اتهامات از متهم سلب شده در سایر جرایم در زمره حقوق بنیادین دفاعی برای وی شمره می‌شود. برای مثال می‌توان به سلب حق همراهی وکیل، عدم برگزاری علنی جلسات دادرسی، سرعت در رسیدگی کیفری و ... اشاره نمود. لازم به ذکر است رسیدگی در مراجع اختصاصی می‌تواند اصل برابری افراد در برابر قانون و مرجع رسیدگی‌کننده و نیز استقلال، بی‌طرفی و نفوذ ناپذیری این مراجع را با خطر روبه‌رو می‌کند.^۲

قوانین موجود در حوزه جرایم اقتصادی دو گونه مرجع رسیدگی تخصصی و اختصاصی به وجود آورده است. مرجع تخصصی مرجعی است که حسب ضرورت در خصوص برخی جرایم صالح شناخته می‌شود و از این حیث شبیه مراجع اختصاصی است؛ ولیکن مراجع تخصصی، اختصاصی نیستند و در واقع شعبه‌ای از مراجع عمومی‌اند که تخصصی بودن آنها مانع از ارجاع پرونده‌های غیرتخصصی به آنها نیست.^۳ وفق ماده ۲۵ «قانون آیین دادرسی کیفری» «به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرهای تخصصی از قبیل دادرهای جرائم کارکنان دولت، جرائم

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چ ۳۰، نشر شهر دانش، ۱۳۹۴، ص ۵۴.

۲. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، چ ۳، نشر شهر دانش، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸.

۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۵۷.

امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود». با دقت نظر در ماده فوق‌الذکر می‌توان گفت اولاً مراجع تخصصی مذکور منحصر به دادسرا شده است. تشکیل این‌گونه مراجع تخصصی با توجه به ضرورت سرعت در تحقیقات مقدماتی به منظور حفظ آثار و ادله جرم امری معقول است. برخی دادسراهای تخصصی جرایم اقتصادی عبارت‌اند از: دادسرای رسیدگی به جرایم اقتصادی، دادسرای رسیدگی به جرایم پولی و بانکی، دادسرای رسیدگی به جرایم مالیاتی و در برخی جرایم (ارتشا) دادسرای رسیدگی به جرایم کارکنان دولت.

قانون‌گذار کیفری ایران در برخورد با جرایم اقتصادی گاه صلاحیت رسیدگی به این جرایم را به دادگاه خاصی (دادگاه انقلاب)^۱ واگذار نموده و گاه به ضابطین یا نهادهای خاصی برای برخورد ویژه با این جرایم اعتبار قانونی یا مأموریت ویژه داده است.

۲.۲.۲. توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی

دادگاه انقلاب اسلامی یکی از مراجع اختصاصی رسیدگی است؛ پیش‌تر گفته شد به مراجعی اختصاصی می‌گویند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را صراحتاً در صلاحیت آنها قرار داده باشد. درواقع باید گفت منظور از رسیدگی اختصاصی این است که قانون مرجع خاصی را برای رسیدگی به نوع یا انواع خاصی از جرایم اختصاص دهد؛ به‌گونه‌ای که این مرجع صلاحیت رسیدگی به جرم دیگری را نداشته باشد.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی برای برخی از جرایم اقتصادی مذکور در ماده ۳۶ «قانون مجازات اسلامی» و تبصره آن، ضمن قوانین مربوط اقدام به تعیین دادگاه انقلاب به‌عنوان مرجع صالح به رسیدگی به این جرایم نموده است. برای مثال تبصره ۶ ماده ۲ «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی» و ماده ۴۴ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» در رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز، قاچاق حرفه‌ای، سازمان یافته، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی رسیدگی به این جرایم را در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب دانسته است؛ امری که با تصویب «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» و

۱. رک: ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور.

تصریح بند «ت» ماده ۳۰۳ این قانون به پذیرش صلاحیت دادگاه انقلاب در مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته، خالی از اشکال قانونی به نظر می‌رسد.

با نگاهی به جرایمی که به موجب بندهای «الف» تا «پ» ماده ۳۰۳ فوق‌الذکر در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت دادگاه انقلاب یک مرجع قضایی است که اصولاً در جرایم امنیتی خاص (جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی) صالح بوده و انتخاب این دادگاه با توجه به ویژگی‌های خاص آن برای رسیدگی به جرایم اقتصادی حاکی از امنیت‌گرا بودن رویکرد سیاست جنایی و کیفری ایران در قبال این جرایم است.

۲.۲.۳. تعیین ضابطان خاص در مورد برخی جرایم

ضابط دادگستری بازوان اجرایی دستگاه قضایی هستند که تحت نظارت و تعلیم مرجع قضایی وظایف و امور محوله را انجام می‌دهند.^۱ حسب قانون تکالیف گسترده‌ای به ضابطان ارجاع شده است. دامنه تکالیف ضابطان از نخستین دقایق پس از وقوع جرم شروع می‌شود و تا اتمام اجرای مجازات ادامه دارد. قانون ضابطان را به دودسته ضابط عام و خاص تقسیم نموده^۲ و حسب اینکه ضابط در کدام دسته از این تقسیم‌بندی قرار گیرد وظایف و اختیاراتی برای آنها مقرر کرده است. اصولاً ضابطان عام با رعایت شرایط قانونی صلاحیت دخالت در مورد تمام جرایم را دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرایم خاصی نیست؛ در مقابل ضابطان خاص علی‌الأصول اشخاصی هستند که صلاحیت دخالتشان محدود به شرایطی معین و جرایم خاص است و در غیر این جرایم حق دخالت ندارند.^۳

اصولاً تعیین ضابط خاص یا براساس انجام وظایف تخصصی مربوط به حوزه شغلی ضابط بوده که مواردی مانند فرمانده هواپیما به موجب ماده ۳۲ «قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸»، مأموران جنگل‌بانی بر اساس ماده ۵۴ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶»، مأموران شکاربانی وفق ماده ۱۹ «قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶»، مأموران حفاظت سازمان گمرک طبق ماده ۳۷ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲» از این

۱. رک: ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲. ذک: ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری.

۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۶۳.

قبیل هستند و یا اینکه در برخی موارد برای تأمین امنیت در جمیع ابعاد آن وظایف و اختیارات مربوط به ضابطان حتی با اعمال توسعه در آن به نهادها و دستگاه‌های متولی تأمین امنیت واگذار می‌شود. بند «ب» ماده ۲۹ «قانون آیین دادرسی کیفری» در بیان مصادیق ضابطان خاص به مأموران وزارت اطلاعات اشاره نموده است.

فلسفه وجودی و وظایف وزارت اطلاعات در مواد ۱ و ۱۰ «قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲» ذکر شده است. با نگاهی به این موارد می‌توان این‌گونه استنباط نمود که این وزارتخانه در جهت مقابله با تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی، مبارزه با جرایم علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور و شناسایی وضعیت دشمنان ایجاد شده است. با توجه به اینکه عمده وظایف وزارت اطلاعات امنیتی است، اگر مأموران این وزارتخانه در رسیدگی به جرمی ضابط تلقی شوند می‌توان گفت جرم مزبور از جرایم امنیتی شمرده می‌شود. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در دو مورد در جرایم اقتصادی ضابط شمرده شده است. یکی از مصادیق تعیین وزارت اطلاعات به عنوان ضابط در جرایم اقتصادی بند «ب» ماده ۲۰۵ «قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹» وزارت اطلاعات موظف است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «با هدف دفاع از حاکمیت و منافع ملی و تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به ویژه استکبار جهانی اقدامات زیر را انجام دهد.

ب- پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرائم سازمان‌یافته ضدامنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری».

مصادیق دیگر تعیین وزارت اطلاعات به عنوان ضابط در جرایم اقتصادی ماده ۴ «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» است. براساس ماده مزبور «به منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد طبق تعریف ماده ۱ این قانون، وزارت اطلاعات موظف است نقاط مهم و آسیب‌پذیر در فعالیت‌های کلان اقتصادی دولتی و عمومی مانند معاملات و قراردادهای بزرگ خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور در دستگاه‌های اجرایی را در صورت وجود گزارش موثق و یا قرائن معتبر مبنی بر تخلف یا سوءعملکرد، با کسب مجوز قضایی لازم پوشش اطلاعاتی کافی و مناسب بدهد.

تبصره ۱- وزارت اطلاعات نیز در پرونده‌های فساد مالی کلان ضابطه قوه قضائیه محسوب می‌شود.

تبصره ۲- وزارت اطلاعات موظف به پشتیبانی از بانک اطلاعاتی موجود در دبیرخانه است.

اعطای وظایف ضابط دادگستری به وزارت اطلاعات در مبارزه با مفاسد کلان اقتصادی نشان از اهمیت این جرایم نزد قانون‌گذار بوده و رویکرد امنیت‌گرا در مبارزه با جرایم اقتصادی را متبلور می‌سازد؛ خصوصاً اینکه این جرایم از حیث ضابط هم‌سنگ جرایم خرابکارانه و جرایم علیه تمامیت ارضی و استقلال کشور دانسته شده است.

۲.۲.۴. آیین‌نامه‌ای شدن دادرسی کیفری

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دو مفهوم عام و خاص دارد. در مفهوم خاص، محور اصلی، جرم و مجازات است و گفته می‌شود هیچ عملی جرم نیست، مگر آنکه در قانون به آن تصریح شده باشد و هیچ مجازاتی اعمالی نمی‌شود، مگر به موجب قانون؛ ولی در مفهوم عام علاوه بر جرم و مجازات، صلاحیت دادگاه‌ها و تشریفات رسیدگی نیز ذیل این اصل ذکر می‌شود و هر دوی آنها را قانون تعیین می‌نماید.^۱ اصل سی و ششم قانون اساسی ایران در فصل سوم ذیل عنوان حقوق ملت، بیان می‌دارد: «حکم به مجازات و اجزای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

از یک‌سو با ظهور پدیده‌های نوین مانند گسترش قلمرو حقوق کیفری در پرتو ظهور جرایم خارج از هسته مرکزی حقوق کیفری مانند جرایم اقتصادی که جرایمی فنی به‌شمار می‌روند و ارتکاب برخی از آنها مستلزم داشتن نوعی تخصص و مهارت در مرتکب آن است^۲ و از سوی دیگر حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا در حقوق کیفری ماهوی، این اصل کلی و مترقی و به‌طور خاص جلوه شکلی آن که همانا ناظر بر صلاحیت محاکم و تشریفات رسیدگی است، نیز دستخوش تعرض می‌گردد تا جایی که صلاحیت دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به جرایم در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی وضع و تصویب می‌شود که اولاً همه آنها در دسترس عموم شهروندان قرار ندارد و ثانیاً مفاد برخی از این مصوبات صراحتاً مخالف قواعد عام رسیدگی‌های کیفری و بعضاً

۱. میلانی، علیرضا، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در اسلام»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸.

۲. صفاری، علی، زینب لکی و راضیه صابری، «تنزل جایگاه اصل قانونمندی کیفری در پرتو آیین‌نامه‌ای شدن رکن قانونی جرایم»، نشریه حقوقی دادگستری، د ۸۵، ۱۴۰۰، ص ۵۷.

حتی مخالف صریح قوانین موضوعه هستند. برای مثال می‌توان به «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور»^۱ و تشکیل شعب دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اقتصادی موضوع استیجازه ریاست وقت قوه قضائیه از مقام رهبری اشاره نمود.

۲.۲.۵. ترتیبات و تشریفات رسیدگی

رسیدگی‌های کیفری اصولاً در نظام‌های حقوقی تمامی کشورها، هم از حیث اصول کلی حاکم بر دادرسی و هم از نظر تشریفات شکلی که در جریان این رسیدگی‌ها لازم‌الاجراست، تابع قواعد خاصی است. اصولی از قبیل اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها، اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه و عادلانه و نیز رعایت حقوق دفاعی متهم در همه رسیدگی‌ها مورد تأکید مقنن واقع شده است؛ فلذا به منظور نیل به این اصول، قانون‌گذار شاخصه‌هایی را در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است. شاخصه‌ها و ابزارهایی که برای حفظ حقوق و کرامت هم متهمین و محکومین و هم سایر افراد دخیل در فرایند رسیدگی وضع شده و عدم رعایت این موارد از سوی مقام‌های رسیدگی‌کننده اعم از تعقیب و تحقیق و حتی مقام صادرکننده رأی در دادگاه ضمانت‌آجراهایی را در پی دارد.^۲

بدیهی است همان‌گونه که با شکل‌گیری زمینه‌های رویکرد امنیت‌گرا، حقوق کیفری ماهوی و سازوکارهای شکلی ناظر به رسیدگی‌های کیفری دچار تحول می‌گردد، به همان میزان نیز می‌بایست انتظار داشت تا ترتیبات و تشریفات رسیدگی نیز تغییر کنند تا سازگار و هماهنگ با یکدیگر در راستای اهداف سیاست‌گذاران جنایی در پیش بروند. نمونه بارز این تغییرات را می‌توان در تشریفات و فرایند رسیدگی به جرایم اقتصادی، که ذیل «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور» اشاره نمود.

گذشته از نحوه ارجاع پرونده‌های جرایم ارتكابی موضوع این آیین‌نامه، به شعب دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اقتصادی، به‌عنوان مثال در خصوص حق تجدیدنظرخواهی از آرای صادره که وفق عموماًت آیین دادرسی کیفری به‌عنوان حق محکومین شناخته می‌شود، باید

۱. مصوب ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ ریاست وقت قوه قضائیه.

۲. رک: مواد مرتبط در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰.

گفت وفق ماده ۱۹ آیین‌نامه مزبور «آرای صادره از این دادگاه به جز اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. احکام اعدام با مهلت حداکثر ۱۰ روز قابل فرجام در دیوان عالی کشور می‌باشد». حال آنکه بعضاً با توجه تسریع در فرایند رسیدگی‌ها در این جرایم که مورد تصریح و تأکید مواد مختلف این آیین‌نامه و فلسفه تشکیل این دادگاه‌ها نیز بوده است، صدور حکم حبس‌های طولانی‌مدت (بعضاً تا ۲۰ سال در قانون مجازات اخلاگران)، و عدم امکان تجدید نظرخواهی در غیر از موارد اعدام که شاید به‌نوعی متضمن تک‌مرحله‌ای شدن رسیدگی است، این احتمال را تقویت می‌کند که فرد یا افرادی بر اثر اشتباه به حبس محکوم گردند و این محکومیت البته بی‌بازگشت و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری رویکرد امنیت‌گرا در سیاست جنایی و به تبع آن شیوع شاخصه‌های امنیت‌گرایی در نظام پاسخ‌دهی حقوق کیفری در وهله اول نتیجه شکست سیاست‌های اصلاحی و مبتنی بر بازپروری است. درواقع عدم کارایی سیاست‌های اجرایی جرم‌شناسی‌های رایج و سنتی در پیشگیری یا کاهش ارتکاب برخی جرایم، به‌ویژه جرایم اقتصادی، منجر به تغییر رویه سیاست جنایی در قبال این جرایم شده است؛ علی‌الخصوص در نظام‌های سیاسی که اقتصاد دولتی یا ارشادی بر اقتصاد خصوصی و لیبرال غلبه دارد، حقوق کیفری نیز در راستای پیشگیری و مبارزه با این جرایم با تغییر نگرش خود اولاً ارتکاب این‌گونه بزه‌ها را دشمنی با جامعه و نظام سیاسی می‌داند و ثانیاً به‌جای اینکه مرتکب این جرایم را یکی از شهروندان دچار لغزش و انحراف شده تلقی کند، بزهکار را دشمن جامعه و شهروندان قانون‌مدار فرض می‌کند؛ فلذا با شدت و سختگیری در به کیفر رساندن بزهکار به دنبال طرد وی از جامعه است.

بازخورد و آثار عملی رویکرد امنیت‌گرا به جرایم اقتصادی در راستای اهداف جامعه و در بستر اجتماع، تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی پایین‌ترین سطح ممکن کاهش می‌دهد و مداخله نظام اجتماعی و مشارکت آن در سیاست جنایی را به حاشیه می‌برد و از طریق پاسخ‌های کیفری سرکوبگرانه و شدید به‌عنوان اهرم و بازوی اجرایی تأمین امنیت، برای برقراری عدالت بهره می‌برد؛ لذا سیاست جنایی امنیت‌گرا که رسالت اصلی خود را تأمین امنیت در جمیع ابعاد آن می‌داند در مقابله با بزهکاران شدیدترین حربه را به کار می‌گیرد.

از این رهگذر امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر سیاست جنایی تحمیل شده و یک روند انحرافی در فرایند پاسخ‌دخی به پدیده مجرمانه محسوب می‌شود؛ بنابراین رویکرد امنیت‌گرا، سازوکارهای جدیدی را به وجود می‌آورد که می‌تواند پاسخ‌های سختگیرانه خود به بزهدکاری را به بهانه تأمین امنیت توجیه نماید. امنیت‌گرایی نیز مانند سایر رویکردها در سیاست جنایی باید در بوته آزمایش قرار بگیرد و کارآمدی و نارکارآمدی آن مشخص گردد؛ چراکه سیاست جنایی نامطلوب در آینده‌ای دور یا نزدیک، دچار چالش و با بن‌بست روبه‌رو خواهد شد.

باوجوداین، به‌نظر می‌رسد علی‌رغم سختگیری کیفری ناشی از حاکم شدن رویکرد امنیت‌گرا در جرایم اقتصادی که حتی می‌شود گفت برخی از شاخصه‌های آن در قانون‌گذاری‌های سال‌های ابتدایی استقرار نظام جمهوری اسلامی مثل قانون «تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب» ۱۳۶۷ و «قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹» و... را نیز داشته است، نه تنها ارتکاب این جرایم کاهش نیافته، بلکه دامنه این جرایم گسترده‌تر شده و در اکثر حوزه‌های مالی و اقتصادی کشور شیوع پیدا کرده است؛ البته ناگفته پیداست یکی از دلایل عمده این امر دولتی یا ارشادی بودن نظام اقتصادی حاکم و به تبع آن فساد اداری موجود در بخش‌های اقتصادی دولت است.

بنابراین امنیت‌گرایی نمی‌تواند در اوضاع نابسامان جرایم اقتصادی در نظام حقوقی و اقتصادی ایران کارساز واقع شود. فلذا ادامه رویکرد حاضر در جرم‌انگاری صرفاً موجب تورم قوانین کیفری ناکارآمد خواهد شد؛ زیرا رویکرد امنیت‌گرا با مستمسک قرار دادن تأمین امنیت اقتصادی اولاً به‌دنبال وضع قوانین کیفری غیرضروری رفته و ثانیاً از جرم‌زدایی برخی موارد که مداخله کیفری در آن ضرورتی ندارد، جلوگیری می‌کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آقا بابایی، حسین، **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، چ ۱، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. بارانی، محمد، **پیشگیری از جرائم جهانی**، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۹۳.

۳. جوانمرد، بهروز، **تسامح صفر سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرائم خرد**، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۴. خالقی، علی، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۲، چ ۳۰، نشر شهر دانش، ۱۳۹۴.
۵. خالقی، علی، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چ ۹، نشر شهر دانش، ۱۳۹۶.
۶. رحمدل، منصور، **تناسب جرم و مجازات**، چ ۱، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل، **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۸. قاری سید فاطمی، سید محمد، **حقوق بشر در جهان معاصر**، چ ۳، نشر شهر دانش، ۱۳۹۵.
۹. میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چ ۲۴، نشر میزان، ۱۳۹۲.
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)**، دیپاچه بر مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، چ ۱، سودابه رضوانی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **دفاع اجتماعی در آغاز سده بیست و یکم**، دیپاچه بر ویراست چهارم کتاب دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چ ۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱.
۱۲. نیازپور، امیرحسن، **آیین دادرسی کیفری اقتصادی**، چ ۱، نشر میزان، ۱۳۹۸.
۱۳. ولیدی، محمد صالح، **حقوق کیفری اقتصادی** ج ۲: **جرایم علیه امنیت اقتصادی**، چ ۱، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.

مقاله

۱۴. صفاری، علی، زینب لکی و راضیه صابری، «تنزل جایگاه اصل قانونمندی کیفری در پرتو آیین نامه ای شدن رکن قانونی جرایم»، **نشریه حقوقی د/دگستری**، د ۸۵، ۱۴۰۰، صص ۱۵۷-۱۸۷.
۱۵. کوشا، جعفر، «امنیت اقتصادی با تأکید بر پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و پولشویی»، در: **یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها (ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی)**، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۶۹-۸۷۴.

۱۶. گلدوست جویباری، رجب، مهدی ابراهیمی میانرزی و عبدالحسین سلطانی رنانی، «بررسی رویکرد امنیت‌گرا به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی-قضایی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۸۴-۵۹.

۱۷. میر سعیدی، سید منصور و محمود زمانی، «جرم اقتصادی: تعریف یا ضابطه؟»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، ۱۳۹۲، صص ۱۹۹-۱۶۷.

۱۸. میلانی، علیرضا، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در اسلام»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۳۸۷، صص ۱۸۰-۱۵۷.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمد فرجیها و سکینه خانعلی‌پور واجارگاه، «مشخصه‌های گفتمانی فرایند جرم‌انگاری ارتشا در دهه ۶۰ خورشیدی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، د ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۷-۱۵۷.

درس‌نامه

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی»، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

Security-Oriented Approach of Iran's Criminal Policy towards Economic Crimes: Basis and Examples

Hossein Mirmohammad Sadeghi*
Abdolhossein Soltani Renani**

Abstract

Criminal policy adopts principles and methods to respond delinquency which define its objectives and overall vision. Today, due to the widespread violations of economic security of governments and citizens resulted from economic crimes extension, particularly international and organized ones and their severe damage which may undermine economic and political security of the society, the criminal policy approach of reforming and rehabilitating criminals –i.e. delinquent-based approach has been changed to security-oriented approach. Regarding economic security as one of the main challenges of criminal policy, especially through organized criminal groups' formation, the principles and rules of criminalization, criminal liability and legal responses determination and imposition on perpetrators have also been changed. Therefore, considering the adopted security-oriented criminal approach, delinquents are deemed as enemies which lead to enemy-oriented criminal law. Consequently, through the rule of this security-oriented approach in economic crimes, country's economic system has been damaged which will increase costs of dealing with these crimes. Thus, in this article, while studying Iran's legislative system's view of economic crime in terms of definition and examples, grounds for this security-oriented approach formation in response to these crimes and some of its characteristics will be examined.

Keywords:

Economic Security, Security-Oriented Approach, State-Run Economy, Disruption in Economic System, Moharaba and Efsad fi Al-Arz

* Professor of Law, Criminal Law & Criminology Dept, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran h_sadeghi@sbu.ac.ir

** PhD Student, Criminal Law & Criminology Dept, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author) a_soltanirenani@sbu.ac.ir

Persian Resources in English

Books

1. Aghababaei, Hossein, **The Scope of Security in Criminal Law**, 1st edition, PUBLISHING ORGANIZATION OF ISLAMIC IDEA AND CULTURE THOUGHTS Publication, 1389
2. Barani, Mohammad, **Prevention of Globalized Crimes**, 1st edition, MIZAN Publication, 1393
3. Jvanmard, Behrouz, **Zero Tolerance: A Strict Penal Policy for Minor Offenders**, 1st edition, MIZAN Publication, 1388
4. Khaleghi, Ali, **Criminal Procedure**, Vol.2, 30th edition, SHAHR-E-DANESH Publication, 1394
5. Khaleghi, Ali, **Points in Criminal Procedure Code**, 9th edition, SHAHR-E-DANESH Publication, 1396
6. Rahmdel, Mansour, **Crime and Punishment Appropriateness**, 1st edition, SAMT Publication, 1392
7. Rahiminejad, Esmaeil, **Human Dignity in Criminal Law**, 1st edition, MIZAN Publication, 1387
8. Ghari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, **Human Rights in Contemporary World**, 3rd edition, SHAHR-E-DANESH Publication, 1395
9. Mirmohammad Sadeghi, Hossein, **Offences Against the Security of the State and Public Tranquility**, 24th edition, MIZAN Publication, 1392
10. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, **About Security Studies (From Right to Security to Right to Be Safe)**, Preface in Human-Oriented Crime Risk Management, Rezvani, Soudabe, Tehran, MIZAN Publication, 1391
11. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, **Social Defense in the Beginning of the 21st Century**, Preface in the 4th edition of the Social Defense, Translated by Ali Hossein, Najafi Abrandabadi and Mohammad, Ashouri, 4th edition, TEHRAN, GENJ-E-DANESH, 1391
12. Niyazpoor, Amir Hassan, **Economic Criminal Procedure**, MIZAN Publication, 1398
13. Validi, Mohammad Saleh, **Economic Criminal Law**, Vol.2, Crimes Against Economic Security, 1st edition, JANGAL Publication, 1393

Articles

14. Saffari, Ali, Zeinab, Laki, Raziye, Saberi, "Degradation of the Principle of Legality In the Light of the Regulating the Legal Element of Crime", The Judiciary Law Journal, Vol. 85, 1400, pp. 157-187
15. Kousha, Jafar, "Economic Security with an Emphasis on Prevention and Tackling Goods Smuggling and Money Laundering", In Memorandum of Dr. Reza Nourbaha, Legal Research Quarterly, winter 1390, pp. 874-869
16. Goldoust Jouybari, Rajab, Mahdi Ebrahimi Mianzari, Abdolhossein Soltani Renani, "Study of Security-Oriented Approach to Economic Crimes in Iran's Legal System", Legal Judicial Research Quarterly, No. 3, autumn 1397, pp. 59-84
17. Mirsaedi, Seyed Mansour, Mahmoud Zamani, "Economic Crime: Definition or Criteria", Journal of Criminal Law Research, No. 4, 1392, pp. 167-199
18. Milani, Alireza, "The Principal of Legality of Crimes and Punishments in Islam", The Judiciary Law Review, No. 62&63, 1387, pp. 157-180
19. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Mohammad Farajiha, Sakine Khanalipour Vajargah, "Circumstances of Discourses in the Process of Criminalization of Bribery in 1360s", Criminal Law and Criminology Studies, Vo.2, No.2, autumn & winter 1396, pp. 157-177

Courses

20. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, From Critical Criminology to Security Criminology, Presentation of Criminology Course, PhD Course in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, 1393
21. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Criminal Sociology, L.L.M Course in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, 1391